

ادات تشبیه در اشعار محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد)

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: آذر ۱۳۹۸

محمد مفتاحی

کارشناس ارشد، زبان و ادبیات فارسی

نویسنده مسئول:

محمد مفتاحی



چکیده

صورخیال یکی از مهم‌ترین ابزار سنجش مهارت شاعران و از راه‌های بررسی دنیای شاعرانه‌ی آن-هاست. تشبیه نخستین شکل خیال است که در ذهن شاعر شکل می‌گیرد. این آرایه‌ی ادبی در شعر معاصر نیز کاربرد و اهمیت ویژه‌ای دارد. محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد) از شاعران معاصر و شاگرد و پیرو نیمایوشیج بوده و به سبک وی شعر گفته است. وی لز معدود شاگردان مستقیم نیما و از چهره‌های قابل‌اعتنای شعر معاصر است. در این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی نگاشته شده است، ابتدا مجموعه اشعار م. آزاد با دقت مطالعه گردید و تشبیهات آن مورد بررسی قرار گرفت. سپس ادات تشبیه مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌های این مقاله عبارتند از: ۱. آیا شاعر، یا توجه به تغییراتی که در شعر نو ایجاد شده است از ادات تشبیه نیز بهره برده است؟ ۲. کدام ادات تشبیه بیش‌تر در اشعار وی به کار رفته است؟ از یافته‌های این پژوهش چنین بر می‌آید که شاعر از ادات تشبیه مختلف بهره برده است و این ادات به دو نوع پرکاربرد (سنتی) و کم‌کاربرد (امروزی) قابل طبقه‌بندی هستند.

کلمات کلیدی: صور خیال، تشبیه، ادات تشبیه، شعر معاصر و م. آزاد (محمود مشرف آزاد تهرانی).

مقدمه

هنر در شکل‌های مختلف خود، از دیرباز در جوامع انسانی، به نیکی پذیرفته شده است. در تعریف هنر گفته‌اند: «هنر عبارت است از این که انسانی آگاهانه و به یاری علایم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است به دیگران انتقال دهد؛ به طوری که این احساسات به‌ایشان سرایت کند و آن‌ها نیز این احساسات را تجربه نمایند. و از همان مراحل حسّی که او گذشته است بگذرند» [دهگان، ۱۳۵۶، ص ۵۷]. با توجه به این تعریف هنرمند برای انتقال احساسات و تجربیات خود به دیگران باید از نشانه‌های معروف و شناخته شده‌ای بهره بگیرد. به بیان دیگر «هنر آن‌گاه آغاز می‌گردد که انسانی با قصد انتقال احساسی که خود آن را تجربه کرده است به یاری علایم معروف و شناخته شده‌ی ظاهری بیانش می‌کند» [همان، ص ۵۵].

شعر نیز به عنوان یک هنر حاصل تلاش شاعر برای بیان دریافت‌ها، نگرش‌ها و تجربه‌های ذهنی‌اش با نشانه‌ها و سنجه‌های ادبی است. این تلاش آن هنگام به موفقیت نزدیک‌تر خواهد بود که از نگرش ویژه‌ی خویش گزارشی مصور تهیه کرده و در قالب واژگان به بیان درآورد. به ویژه در سرزمین ما که شعر هنر برتر محسوب می‌شود و در دوره‌های مختلف تاریخی بار ممنوعیت برخی هنرها و کمبود هنرهای دیگر را به نیکی به دوش کشیده است. «مهم‌ترین و عالی‌ترین رسانه‌ی فرهنگی ماست. یا به عبارت روشن‌تر، اصلی‌ترین و پرزورترین برداری است که وجدان ایرانی برای رساندن احساس و اندیشه و جهان بینی خود برگزیده است» [آشوری، ۱۳۷۷، ص ۹۰]. شاعر با نگاه ویژه‌ی خود به جهان و با بهره‌گیری از تخیل جهانی تازه و جذاب را به مخاطب نشان می‌دهد و راه‌های دیگرگون دیدن را به او رهنمون می‌شود. خیال انگیز و تصویری بودن شعر پایه و اساس ارتباط شاعر با مخاطب است و این نکته بدان اندازه اهمیت دارد که از قدیمی‌ترین تعاریفی که از شعر صورت گرفته تا تعاریف امروزی شعر پایه و اساس شعر به شمار رفته است. «تخیل تاثیر سخن باشد بر نفس» [اقبالی، ۱۳۷۰، ص ۷۵].

اما خیال و تخیل چیست؟ «خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. خیال‌ها یعنی تجربه‌های حسّی، واسطه‌های انتقال تجربه‌های عاطفی است زیرا هرگونه عاطفه‌ای در انسان مشترک است. آن‌ها (شاعران) از چیزهایی سخن می‌گویند که دیگران نیز با آن‌ها در آن زمینه مشترکند. اما بیداری آن‌ها در برابر رویدادها یعنی تجربه‌های ذهنی‌ایشان، همواره با نوعی تشخیص و برجستگی همراه است که ما عواطف خود را در تجربه‌های شعری‌ایشان بهتر می‌بینیم» [شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ص ۱۷].

صور خیال مجموعه‌ی تلاش‌های شاعر برای به تصویر کشیدن دنیای ذهنی و درونی منحصر به فرد خود است. این تلاش‌هاست که موفقیت یا عدم موفقیت او را رقم می‌زند. بررسی این توفیق یا عدم توفیق در علم بیان بررسی می‌شود. علم بیان «ایراد معانی واحد به طرق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخیل باشد یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخیل، نسبت به هم متفاوت باشند» [شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۱۹]. و بخش‌های مهم علم بیان عبارتند از مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه.

شعر نیمایی هم فارغ از بحث وزن و نوآوری‌ها و سنت‌شکنی‌های آن، صورخیال را به عنوان یکی از ابزارهای جدانشدنی شعر به خدمت گرفته است. شیوه‌ی به کارگیری این عناصر نزد شاعران نیمایی می‌تواند نوع نگاه و تخیل این شاعران را در دوران معاصر نشان دهد. اما آن‌چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد شیوه‌ی بهره‌گیری م. آزاد، یکی از شاعران معاصر و از پیروان نیمایوشیج است و تنها به تشبیه اکتفا کرده، ادات تشبیه را بررسی می‌کنیم و از دیگر بخش‌های علم بیان چشم می‌پوشیم.

تشبیه

تشبیه به عنوان اولین جلوه‌ی تخیل شاعر در کتب بیان به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است که بخشی از آن‌ها عبارتند از: "آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند" [همایی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷]. و یا: "چیزی به چیزی مانده کردن است و در این باب از معنی مشترک میان مشبه و مشبه‌به چاره نبود و تشبیه کامل‌تر باشد که معکوس توان کرد چنانکه شب را به زلف و زلف را به شب [اردفر، ۱۳۶۸، ص ۳۴۳]. و نیز: "عبارت از مشارکت امری است با امر دیگر در معنایی" [آهنی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۰] و نیز: "دریافت و پذیرش همانندی‌های دو یا چند چیز در یک یا چند صفت و نشان دادن آن همانندی‌ها را تشبیه یا همانندسازی می‌نامند" [ثروتیان، ۱۳۷۸، ص ۲۹]. و نیز تشبیه یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد" [شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ص ۵۳]. همچنین: تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این‌که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی" [شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۵۹] و "ماندگی یا تشبیه مانند کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه‌ی آن دو می‌توان یافت" [کزازی، ۱۳۶۸، ص ۴۱]. آن گونه که از همه‌ی تعریف‌های ذکر شده برمی‌آید در تشبیه، ذهن شاعر چیزی را از روی کذب به چیز دیگر همانند می‌کند. شاعر آن چیزها را همانند می‌بیند و موضوع شعر خود را برای مخاطب خود بدین گونه توصیف می‌کند و در نتیجه مخاطب را به دیگرگونه دیدن طبیعت و پدیده‌های پیرامون اش دعوت می‌نماید. بنابراین تشبیه چهار رکن دارد: آن چه شاعر به چیز دیگری تشبیه می‌کند مشبه، آن چیز مانند شده مشبه‌به، ارتباط و دلیل شباهت وجه شبه و حروفی چون مانند، مثل، چون، چو، همچون و... ادات تشبیه هستند.

انواع تشبیه از نظر ارکان

تشبیه را بر پایه‌ی ارکان آن به چهار گروه تقسیم کرده‌اند:

۱. بلیغ یا دو رکنی

در این نوع از تشبیه، تنها مشبه و مشبه‌به ذکر می‌شوند. مانند:

بر دشت آسمان**باغبانی بود****بر دیوار نیلی زمان...**

(قصیده‌ی بلندباد // شکفتن نیلوفر // ص ۸۴)

* پاره‌ی اول: دشت آسمان، آسمان از نظر وسعت به دشت تشبیه شده است.

مشبه: آسمان، هستی مفرد // مشبه به: دشت، هستی مفرد // بلیغ

۲. مجمل یا سه رکنی با حضور ادات

در این نوع تشبیه تمام ارکان تشبیه دیده می‌شود جز وجه شبه که ذکر نمی‌شود. مانند:

گنبد مقدّس**مانند نخل خشکی****بر خاک می‌نشست.**

(بامن طلوع کن، شوش، ص ۳۴۲)

* پاره‌ی اول: گنبد مقدّس مانند نخل خشکی بر خاک می‌نشست.

مشبه: گنبد مقدّس، هستی مقید // مشبه به: نخل خشکی، هستی مقید // ادات: مانند // وجه: سست بودن و نالاستواری

ذکر نشده است

۳. موکد یا بالکنایه یا محذوف‌الادات

در این نوع تشبیه، ادات تشبیه ذکر نمی‌شود. مانند:

جوی گریانی و درباران‌ها می‌گذری

(قصیده‌ی بلندباد // یاس‌ها منتظرند // ص ۹۱)

* توماند جوی گریان هستی

مشبه: تو (محبوب شاعر)، هستی مفرد // مشبه به: جوی گریان، هستی مقید // وجه شبه: جاری بودن

۴. مرسل مفصل یا چهار رکنی

در این نوع تشبیه تمام چهار رکن تشبیه ذکر می‌شود. مانند:

ماننده‌ی چکاوک پیری؛

او را نشسته

خسته و بیزار می‌بینم.

(بامن طلوع کن، بامن طلوع کن، ص ۳۹۰)

* پاره‌ی اول: او مانند چکاوک پیری نشسته خسته و بیزار است.

مشبه: او، حسی مفرد // مشبه به: چکاوک پیری، حسی مقید // ادات: مانده ی // وجه: نشسته، خسته و بیزار است. موضوع این مقاله درباره‌ی ادات تشبیه است بنابر این تنها تشبیه مجمل و مرسل مفصل مورد نظر ماست و از باقی تشبیهات چشم پوشیده‌ایم. در کتاب‌های علم بیان ادات تشبیه را این‌گونه برشمرده‌اند: «چون، هم‌چون، مانند، چنان- چون، مثل، مانا، همانا، گویی و نظایر آن» (همایی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸). هم‌چنین «همین‌گونه‌اند پسوندهای شباهت: وار، وش، سن و آسا و ...» (گودرزی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

در میان ادات به کار رفته در اشعار م. آزاد به دو گونه از ادات برمی‌خوریم:

۱. پر کاربرد (سنتی) ۲. کم کاربرد (امروزی)

۱. پر کاربرد (سنتی)

به آن گروه از ادات تشبیه نام داده‌ایم که ذیل ترکیب ادات تشبیه در کتاب‌های علم بیان کم‌تر به آن‌ها اشاره شده است و برای تعریف ادات تشبیه از این حروف بهره نبرده‌اند.

انواع سنتی ادات تشبیه آن‌هایی هستند که در شعر شاعران، پیش از دوره‌ی معاصر نیز کاربرد فراوانی داشته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به: مثل، چون، مانند، چو و ... اشاره کرد.

آن‌چه در پی می‌آید نمونه‌هایی از کاربرد این حروف در اشعار م. آزاد است:

چون و چو:

او چو دریا‌های سرکش.. نغمه ساز

من به او چون سنگ ساحل پای بست

(دیار شب / مرمر مهتاب / ص ۲۶)

* مصراع اول: او مانند دریا‌های نغمه ساز بود.

مشبه: او (محبوب شاعر) حسی مفرد // مشبه به: دریا‌های سرکش حسی مقید // ادات: چو // وجه شبه: نغمه ساز بودن // تشبیه مرسل

* مصراع دوم: من مانند سنگ که به ساحل وابسته است به او وابسته بودم

مشبه: من (شاعر) حسی مفرد // مشبه به: سنگ ساحل حسی مفرد // ادات: چون // وجه شبه: پای بست و وابسته بودن // تشبیه مرسل

گل سپید هوس خفته در گریبانش

چو عابدی که به درگاه معبدی به سجود

(دیار شب / اعود / ص ۳۱)

* مصراع اول: هوس به گلی سپید تشبیه شده است.

مشبه: هوس عقلی مفرد // مشبه به: گل سپید حسی مقید

* مصراع اول به مصراع دوم تشبیه شده است.

مشبه: گل سپید هوس خفته در گریبانش، مرکب // مشبه به: چو عابدی که به درگاه معبدی به سجود، مرکب // ادات: چو // تشبیه مجمل

پسوند شباهت «وش»:

مسوز آتش کاین پیکر سمندر وش

بسوزد و برمد در میان آتش و دود

(دیار شب / اعود / ص ۳۱)

*مصراع اول: پیکرهمانند سمندر است.

مشبه: پیکر، حسی مفرد // مشبه به: سمندر، حسی مفرد // ادات: وش // وجه شبه: سوزان بودن
ماننده:

و اکنون در ستایش باغ

تنها باید ماند

لحظه‌ای تنها

ماننده‌ی ماه آذر

زرد

سرد

خاموش

تنها

(قصیده‌ی بلندباد/قصیده‌ای به قصد آن که باید گلی شد و برخاک افتاد/ص ۵۷)

*پاره‌ی سوم: لحظه‌ای تنه‌ای ماه آذر که زرد، سرد، خاموش و تنه‌است تشبیه شده است.

مشبه: لحظه‌ای تنها حسی مقید // مشبه به: ماه آذر، حسی مفرد // وجه شبه: زرد، سرد، خاموش و تنه‌بودن // ادات:
ماننده // مرسل

مانست:

رود نیلارام

به خفتگان سفرهای دور می‌مانست -

به عاشقان که آسوده وار می‌میرند

و چشم مرگ افسانه‌شان، ستاره بارانی ست.

(بامن طلوع کن، سکوت کردن، ص ۳۱۸)

* رود نیلارام به خفتگان سفرهای دور و عاشقان تشبیه شده است.

مشبه: رود نیلارام، حسی مقید // مشبه به: خفتگان سفرهای دور و عاشقان حسی مقید // ادات: می‌مانست // وجه: خسته
و بی‌رمق بودن و آسودگی // تشبیه مرسل

رود نیلارام

به خفتگان سفرهای دور می‌مانست...

(بامن طلوع کن، سکوت کردن، ص ۳۱۹)

* رود نیلارام به خفتگان سفرهای دور تشبیه شده است.

مشبه: رود نیلارام، حسی مقید // مشبه به: خفتگان سفرهای دور، حسی مقید // ادات: می‌مانست // وجه: خسته و بی‌رمق
بودن // تشبیه مرسل

پسوند شباهت «وار»:

خفته بود او در برم افسانه وار

بر لبش هذیان خاموشی و تب

(دیارشب/مرمهتاب/ص ۲۶)

* مصراع اول: او همانند افسانه درکنارمن خوابیده بود.

مشبه: او حسی مفرد // مشبه به: افسانه عقلی مفرد // ادات: وار // تشبیه مجمل

۲. کم کاربرد(امروزی)

به آن گروه از ادات تشبیه نام داده‌ایم که در ذیل ترکیب ادات تشبیه در کتاب‌های علم بیان به آن‌ها اشاره شده است و برای تعریف ادات تشبیه از این حروف به عنوان مثال بهره برده‌اند. انواع غیرسنتی ادات تشبیه آن‌هایی هستند که در شعر شاعران دوره‌ی معاصر کاربرد فراوانی داشته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به: مانند، و پسوندهای شباهت: وار، سان، انه و ... اشاره کرد.

آسا:

وانده زده من نشسته سنگ آسا

می خوانم

این سرود هول انگیز

می پیچد در کرانه‌ی دریا

(قصیده‌ی بلندباد // ترانه‌ی تاریک // ص ۶۲)

* پاره‌ی اول: من که اندوهگینم مانند سنگ بی حرکت و انعطاف می‌نشینم.

مشبه: من، هستی مفرد // مشبه به: سنگ، هستی مفرد // ادات: آسا // تشبیه مجمل

نه جاودانه وار، او لحظه وار، رود آسا جاری ست.

(بامن طلوع کن، مثل خیالی در خون، ص ۳۴۶)

* پاره‌ی دوم: او مثل سمندری ست

مشبه: او، هستی مفرد // مشبه به: سمندر، هستی مفرد // ادات: مثل // تشبیه مجمل

* پاره‌ی آخر: اولحظه وار، رود آسا جاری ست.

مردان کوهساران؛

از قله‌ی بلند فرود آمدند

رود آسا بر دشت

جاری شدند

(بامن طلوع کن، مردانی از تبار بهار آمدند، ص ۳۸۷)

* پاره‌ی چهارم: مردان کوهساران رود آسا بر دشت جاری شدند.

مشبه: مردان کوهساران، هستی مقید // مشبه به: رود، هستی مفرد // ادات: آسا // وجه: جاری شدن // تشبیه مرسل

لیک این جا سرود گویانند

دل به دریا سپرده موج آسا

(دیوار شب // سحر // ص ۴۷)

* مصراع دوم: دل به دریا سپرده موج آسا، سرودگویان مانند موج به دریا دل سپرده‌اند.

مشبه: سرودگویان حسی، مفرد // مشبه به: موج حسی، مفرد // ادات: آسا // تشبیه مجمل

(دیوار شب // شعر آخرین // ص ۴۹)

سان:

تا آسمان

(آن سنگ سان)

ما را از خویش راند و گفت:

"اینک، رودید."

(آیینه‌ها تهی ست، بندها(۱)، ص ۲۷۶)

نتیجه گیری

محمود مشرف آزاد تهرانی(م.آزاد) در اشعار خود از ادات تشبیه مختلفی بهره برده است. این ادات را به دو بخش قسمت می کنیم: کم کاربرد(سنتی) و پرکاربرد(امروزی) برخی از این ادات امروزه کاربرد کمتری دارند. مانند: چو و چون و برخی امروزی هستند مانند: وار، سان و آنه.

منابع و مراجع

۱. بیان ، دکتر سیروس شمیسا ، نشر فردوسی، چاپ اول تهران ۱۳۷۰.
۲. بیان در شعر فارسی ، دکتر بهروز ثروتیان ، انتشارات برگ ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۷۸.
۳. زیبا شناسی سخن پارسی (بیان) ، میرجلال الدین کزازی ، انتشارات مرکز ، چاپ اول ، تهران ۱۳۶۸ .
۴. سیمرغ خیال (درسنامه ی بیان پارسی) ، دکتر محمد تقی گودرزی ، انتشارات کلک سیمین ، چاپ اول ، تهران ۱۳۸۷.
۵. شعر و شاعری در اشعار خواجه نصیرالدین توسی ، معظمه اقبالی(اعظم)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، چاپ اول تهران تابستان ۱۳۷۰ .
۶. شعرواندیشه ، داریوش آشوری ، انتشارات مرکز ، چاپ دوم ۱۳۷۷.
۷. صورخیال در شعر فارسی ، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ، انتشارات آگاه ، چاپ ششم تهران ۱۳۷۶ .
۸. فرهنگ بلاغی ادبی ، ابوالقاسم رادفر، ج ۱، ص ۳۴۳ .
۹. فنون بلاغت و صناعات ادبی ، جلال الدین همایی، انتشارات هما ، چاپ سیزدهم ۱۳۷۶.
۱۰. گل باغ آشنایی (کلیات اشعار م. آزاد) ، نشر علم ، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸ .
۱۱. معانی و بیان ، غلامحسین آهنی ، ص ۱۲۰.
۱۲. معانی و بیان، دکتر کامل احمد نژاد ، انتشارات زوار ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۸۵.
۱۳. هنرچیست ، لئوتولستوی، ص ۵۷.